

زوم

در رثای مجاهدت حجت الاسلام شهید
سجاد شهرکی که در بستر اغتشاشات
آبان ماه در زاهدان ترور و شهید شد

شهید سجاد شهرکی تجلی دین اجتماعی و دردمند مردم در دیار آفتاب

مجتبی جهان تیغ

«چرا سکوت کردی؟ ما باید صدای مردم باشیم.»

جلسه تمام که شد این را گفت و بعد از آن مقداری صحبت کردیم. برای آخرین جمله گفت «دعا کن شهید بشیم». جوآنانی که دل در گرو اسلام و انقلاب و میهن و دارم برابرم زود است. رفت و ساعتی بعد هنگام اذان خبر شهادتش در شهر زاهدان پیچید. امام جماعت جوان مسجد مولای متقیان زاهدان حجت الاسلام سجاد شهرکی در حمله تروریستی در مقابل مسجد به شهادت رسید و به دیدار مولا و معبود خود نایل شد.

باید اهل سیستان و بلوچستان باشی تا کیمیای وجود شخصیت‌های جوان اما اهل معرفت، اجتماعی و دردمند را بشناسی. جوانانی که دل در گرو اسلام و انقلاب و میهن و دیار خود داشتند و برای آبادانی آن شب و روز نداشتند. شهید شهرکی شخصیتی بود که حرکت او باعث برجستگی او شده بود. اوگیری او در قوت تفکر اجتماعی و تجلی دین اجتماعی او را برجسته کرده بود. حرکتش در فضای رکود و رخوت، امیدآفرین و سازنده بود و درخشش این حرکت پر برکت ختم به شهادت شد. تلاش و اثرگذاری ایشان باعث توجه کوردلان و بدخواهان این ملت و دیار شد و مردم و جوانان سیستان و بلوچستان از این جوان دغدغه‌مند و خستگی‌ناپذیر محروم شدند و هیچ محرومیتی برای مردم سیستان و بلوچستان تلخ‌تر از هجرت ایدی جوان‌های آگاه و دردمند مردم و دلسوز برای جنوب شرق ایران اسلامی نیست. کسانی که میانه‌های با شعار، عافیت‌طلبی، خودمحوری و جاه‌طلبی یا روزمرگی و ناامیدی نداشتند. شدت اضطراب به تفکر اجتماعی و نهاد اجتماعی صادق و دردمند حقیقی مردم، بویژه در سیستان و بلوچستان را عمیقاً درک و زندگی خود را وقف تجلی و بسط آن کردند. شهید شهرکی روحانی ۳۲ ساله، یک امام جماعت معمولی و سرگرم روزمرگی و قرائت تک بعدی از دین نبود؛ ایمان و تعهد مکتبی داشت. درد و انبوه دغدغه‌های خرد و کلان فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای مردم و حتی ورزشی برای جوانان عمر کوتاه ایشان را چشمه پربرکتی کرده بود که خاطره آن در یاد انبوه نوجوانان و جوانان زاهدانی و اهالی بلوار جمهوری و مسجد مولای متقیان خواهد ماند. مسجدی که با همت جهادی ایشان از شش سال قبل و

اوج جوانی به یکی از فعال‌ترین مساجد شهر زاهدان تبدیل شده بود. فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و ورزشی این مسجد تحت مدیریت این روحانی جوان و جهادی و آگاه به نیازهای چند بعدی مردم منطقه، الگویی موفق از ساخت پیشران‌های فرهنگی در شهر زاهدان بود و تجربه موفق در جنوب شرق در تأسیس نهاد مذهبی با رویکرد صادقانه و اجتماعی و دغدغه‌مند حقیقی به جامعه و مردم که فقط به برگزاری مراسم عبادی، مذهبی یا سیاسی اکتفا نمی‌کرد، بود. ایشان در عمل و عقیده خود مسجد را نهاد محوری پیشرفت جامعه می‌دانست و نسبت به ابعاد مختلف کیفیت زندگی مردم احساس تکلیف می‌کرد و اسلام ناب و اجتماعی و دردمند جامعه و مردم را در شخصیت خود نهادینه کرده بود. با اینکه به ایشان پیشنهادهای مشاغل دولتی و استخدامی و تأمین زندگی از راه‌های کم‌درسرتر آن هم در سیستان و بلوچستان که فرصت‌های شغلی رسمی و استخدامی اندک است شده بود اما گفت مسجد سنگر ماست و بر این عقیده مجاهدانه تلاش کرد تا نهایتاً در آستانه مسجد خود شهید شد.

باید اهل سیستان و بلوچستان باشی و انبوه نیاز مردم، بی‌تفاوتی‌ها و عافیت‌طلبی‌ها یا سوءاستفاده بسیاری از مدعیان و مسئولان و نخبگان را نسبت به نیاز و رنج مردم جنوب شرق دیده باشی که ارزش دغدغه‌مندی و تفکر و کنش چون شهید شهرکی مشخص شود. او شریک غم و درد و روزهای سخت مردم بود. تابستان سال گذشته

زمانی که کرونا دلتا در جنوب شرق جولان می‌داد و مرگ بر سر مردم مظلوم جنوب شرق سایه انداخته بود و بی‌رحمانه از مردم می‌کشت و اکسیژن نایاب شده بود برای تهیه کیسول اکسیژن شهر، تهیه غذا و طبخ غذا برای بیماران کرونایی تلاش می‌کرد. محلات را ضد عفونی می‌کرد. نیاز نیازمندان حاشیه شهر را دیده بود و نوجوانان و جوانان محله و مسجد را برای رسیدگی به آنها بسیج کرده بود و گروه جهادی تشکیل داد و به یاری مستمر مردم مستضعف می‌پرداخت. سیستانی بود اما برای ارتباط با هم‌استانی‌های بلوچ خود زبان بلوچی می‌دانست و در مجالس اهل سنت شرکت می‌کرد. با مساجد اهل سنت مجاور مسجد خود در تعامل و همکاری نزدیک بود (مسجد امام ابومسلم، مسجد امام شیبانی، مسجد عثمانیه و...) از برگزاری کلاس‌های قرآن تا شناسایی و یاری نیازمندان مساجد؛ چندی قبل که بلوچستان سیل آمد به چابهار رفت و خانه‌های مردم را لایروبی و غذا توزیع می‌کرد. روز تشییع هم مولوی‌های اهل سنت برای بدرقه او آمدند.

برای پیشرفت شهر و استان سیستان و بلوچستان از همان ابتدای طلبگی دغدغه داشت. در ایام انتخابات چه ریاست جمهوری چه شورای شهر و مجلس حضور و حرکتی پرتلاش داشت و به دانشگاه و مدرسه و مساجد می‌رفت برای تبیین و تشویق مردم و جوانان برای مشارکت و انتخاب اصلاح. برای اداره امور شهر و کیفیت زندگی شهری مردم

دغدغه داشت و از شهرداری حل مسائل مردم را پیگیر بود. برای آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد جوانان دغدغه داشت و با مراکز ترک اعتیاد وارد همکاری شد و به پیشنهادهای خود او مسجد مولای متقیان را به اولین مسجد محل برگزاری کلاس‌های مشاوره ترک اعتیاد تبدیل کرده بود و بعد استقبال زیاد، برخی مساجد دیگر هم در شهر زاهدان اقدام به برگزاری این کلاس‌ها کردند. دغدغه‌های تربیتی نوجوانان را داشت و علاوه بر کلاس‌های مذهبی و فرهنگی اردوهای تربیتی راه انداخت و هم تیم فوتبالی برای مسجد تشکیل داد و حرفه‌ای در مسابقات شرکت می‌کردند. برای حوزه علمیه شهر دغدغه جدی داشت و برای ارتقای حوزه علمیه سفیران و رسیدگی و حل مشکلات طلاب جوان در تلاش و پیگیر بود و توانسته بود با ارتباط گیری با خیرین و نهادها برخی مشکلات طلاب را حل کند. امید طلاب جوان و حوزه علمیه زاهدان بود. دغدغه جوانان را داشت و با ظرفیت مسجد برای ازدواج و کار و شغل آنها تلاش می‌کرد. ابتدای هرسال تحصیلی با شناسایی دانش‌آموزان نیازمند، با تهیه کیف و نوشت‌افزار به یاری آنها می‌شتافت و نهایتاً این مجاهدت و حرکت پربرکت اجتماعی به شهادت ختم شد و در اذان مغرب شامگاه ۱۲ آبان با شلیک گلوله به سر، در مقابل مسجد به شهادت رسید. از ایشان یک فرزند دو ساله به یادگار باقی مانده است.

کلید پیشرفت و آبادانی سیستان و بلوچستان و ایران بی‌شک ترویج و ادامه تفکر و منش جوانان آگاه و بیدار و مجاهد و صادق چون شهید شهرکی هاست و اینکه راه پیشرفت و آبادانی و تغییر به نفع مردم مقدم بر پول و بتن، ساخت و تکثیر و تقویت هویت انقلابی و تفکر اجتماعی و تحول خواه و دلسوز جامعه است.

با تشکر از همکاری دوستان شهید برای گفت‌وگو و بیان خاطرات: حجت الاسلام علی عدالت جو، امید علی صوفی، هاشم رعنائی و کاظم زحمتکش